

دورهنامه

رمضان - شماره ششم



دورهنامه مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم
رابطه عمومی

توشه رمضان المبارک

((درس نامه قرآنی)) - بخش ششم

درس پانزدهم: اتحاد و همبستگی

مراد از وحدت در لغت به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است و در اصطلاح یعنی ملت و امت اسلام در کنار حفظ اعتقادات مذهبی خودشان، بر مشترکات دینی؛ همچون قرآن، پیامبر و قبله ای واحد تاکید و از اختلافات گوناگون مذهبی، سیاسی و نژادی که موجب سستی و تضعیف امت اسلامی می شود، دوری کنند.

در جامعه ای که گروه های مختلف مذهبی، جناح های سیاسی و ... با هم زندگی می کنند، وجود اختلاف بین پیروان مذاهب گوناگون امری طبیعی است، بحث و تبادل نظر علمی درباره آنها هم مسأله ای عادی است، اما اختلافات بیش از آن که در اصول باشد، در فروع است و نمی تواند و نباید مانع وحدت امت اسلامی و همکیشان شود. خصوصاً هنگامیکه دشمنان درصدد تضعیف و نابودی جامعه اسلامی هستند، می بایست مصالح فردی و اجتماعی را نادیده گرفت و همه همکیشان برای رفع خطر با یکدیگر متحد شوند. چرا که اختلافات اهل ایمان و همکیشان، جامعه اسلامی را دچار آشوب کرده و مسلمانان را از دستیابی به اهداف و آرمانهای متعالی خویش باز می دارد.

رسول خدا ﷺ در این باره فرمود: «مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه اند».

امیرمؤمنان علی علیه السلام در یاره آثار اتحاد با همکیشان می فرماید: «از چند دستگی در دین حذر کنید، که همبستگی و وحدت در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است.»

اتحاد مومنان و همکیشان و پرهیز از هرگونه تفرقه و نزاع از سفارش های مورد تاکید خداوند در قرآن است آنجا که فرموده است: «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که دشمنان یک دیگر بودید، پس میان دل های شما اُلفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند، نشانه های خود را برای شما روشن می کند؛ باشد که شما هدایت یابید».

اعتصام جمعی و اتحاد و هماهنگی و انسجام بر محوریت حبل الاهی، موجب می شود همگان در برداشتن بار سنگین مسوؤلیت با نشاطی فزاینده مشارکت داشته باشند و بر اساس: (قدرت الاهی با جماعت است)؛ با قدرتی افزون تر، رسالت الاهی خویش را به انجام برسانند.

و در جایی دیگر فرمود: «ای اهل ایمان! همگان در سلّم درآیید و گام های شیطان را دنبال مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است» منظور از «سلّم» در این آیه، صلح و سازش و اتحاد و برادری در حوزه اسلامی میان مسلمانان و همکیشان است؛ نه دعوت به اسلام پس، این آیه، خطاب به اهل ایمان است و آنان را در محدوده داخلی ایمان و اسلام، به انقیاد و اتحاد همگانی دعوت و از تفرقه نهی می کند، زیرا تفرقه و نزاع میان مومنان و همکیشان سبب نابودی عزت و شوکت آنان می شود.

و در باره پیامد بی توجهی به اتحاد و همراهی با جماعت فرمود: «دست خدا بر سر جماعت است، از تفرقه پرهیزید، زیرا شخص تکرو، شکار شیطان است همانگونه که گوسفند تکرو، طعمه گرگ است.»

امام صادق علیه السلام در باره ارزش وحدت بین مومنان فرمود: «ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف، و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدائی، صدقه ایست که خداوند آن را دوست دارد.»

درس شانزدهم: امر به معروف و نهی از منکر
قرآن مجید یکی از مهم ترین ویژگیهای جامعه مؤمنان و همکیشان را، امر به معروف و نهی از منکر می داند.

خداوند این دو مهم را در کنار ایمان آورده است و میزان توجه بدانها را معیار برتری امت اسلام می داند. و در آیه ای دیگر امر کردن به معروف و نهی از منکر برادران دینی و همکیش، بر عهده اهل ایمان قرار داده است و در جایی دیگر از مومنانی که این وظیفه را در حق همکیشان رعایت می کنند تمجید و ستایش نموده است.

تلاش خستگی ناپذیر امامان در ترویج، احیا و عمل به این دو عنصر اصیل اسلامی، و تبیین حدود، قلمرو و موارد این دو مهم، در راستای اهداف وحدت طلبانه آنها میان همکیشان بوده است. درباره وجوب، فضیلت، فلسفه، و معرفی به امر و معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از پایه های اسلام و ضرورت توجه همگانی بدان، احادیث بسیاری از آنان نقل شده که گواهی روشن بر اهمیت و نقش نشاط انگیز اجتماعی، دینی و تربیتی این اصل نزد ایشان است.

امام علی علیه السلام خود در حالیکه ولایت را حق مسلم خود می دانست که از سوی خداوند بر پیامبر نازل شده بود، اما در برابر خلفای سه گانه قیام نکرده؛ بلکه به مدت بیست و پنج سال سکوت اختیار نمود.

این سکوت و حتی همکاری ایشان تنها به خاطر حفظ وحدت اسلامی و مصالح عمومی صورت گرفت. چرا که پس از رحلت نبی گرامی اسلام، جامعه اسلامی با ظهور پیامبران دروغین، ارتداد برخی از تازه مسلمانان و ...، دچار مشکلات و بحرانهای خطرناک فراوان شد که هر کدام از آنها به تنهایی، تهدیدی جدی برای جامعه نو پای اسلامی محسوب می شدند.

لذا امام علی علیه السلام که خود یکی از سنگربانان دین و طلایه داران وحدت است، در چنین شرایطی سکوت کرد. ایشان سال ها بعد، چنین فرمود: «پس از وفات رسول خدا ما خاندان باور نمی کردیم که امت در حق ما طمع کند اما آنچه انتظار نمی رفت واقع شد، حق ما را غصب کردند...»

اما من با خود اندیشیدم و دیدم که صبر (بر محرومیت از حق ولایت و زعامت مسلمین) بهتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان، چرا که مردم تازه مسلمان بودند و دین نوپا به مشکی می ماند که کمترین سستی آن را تباه و ناتوان ترین مردم آن را وارونه می کرد.

به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان طور دیگر بود.» و در سخنی دیگر فرمود: «انصاف، اختلافات را از بین می برد و موجب الفت و همبستگی می شود.»

متجاهر بگناه در جامعه با عمل خود دین خدا را تحقیر کرده و دشمنان خدا نیز از عمل وی الگو می‌گیرند».

و در سخنی دیگر در همین باره فرمود: «يك فرد گنهكار، در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود، و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد تیشه ای به دست بگیرد و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است پردازد، و هر گاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می‌کنم، اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می‌شوند.».

از رسول خدا ﷺ در باره خطر بی توجهی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر نقل شده است که فرمود: «هرگاه [مردم] امر به معروف و نهی از منکر نکنند، و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدان آنها را بر ایشان مسلط گرداند، و در این هنگام نیکانشان دعا کنند و دعایشان مستجاب نشود».

و در تشبیه دیگری فرمود: «باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گر نه همان گونه که من پوست این چوبدستی خود را کنده‌ام، خداوند پوست شما را می‌کند».

جمله «خدا پوست شما را می‌کند» استعاره است و مقصود این است که خداوند از اموال و نفوس شما می‌کاهد و به مصائب و گرفتاریهای بزرگ مبتلایان می‌سازد و مانند شاخه های درختی می‌شوید که از برگ و پوست برهنه شده اند و به شاخه هایی برهنه و چوبهایی خشک و بی شاخ و برگ تبدیل گشته اند.

درست است که آن بزرگان برای جلوگیری از نقض غرض و عدم سوء استفاده از این دو فریضه، به شرایطی چون علم و فهم صحیح از معروف و منکر، احتمال تأثیر و نیز لزوم امنیت خاطر در اقامه آن، توجه داشتند، اما هیچگاه به تعطیلی و یا رکود آن رضایت نمی‌دادند.

رمز و راز این مسئله نیز در این نهفته است که هیچیک از افراد جامعه ایمانی، از دیگران جدا نیستند و راه زندگی و سرنوشت انسانها در مسائل اجتماعی، با یکدیگر پیوند خورده است.

انسان، طبیعتی اجتماعی دارد و عقاید، اخلاق و اعمال دیگران در او مؤثر است.

روشن است که با انحراف یک فرد، علاوه بر اینکه به خود وی زیان وارد می‌گردد، جامعه نیز از رفتار او زیانمند می‌شود؛ پس عقل حکم می‌کند که عموم افراد، مراقب یکدیگر باشند و در حد توان، جامعه را از آلوده شدن به فساد، نگه دارند.

البته دایره این دو وظیفه اساسی، تنها شامل مسائل فردی و جزئی نیست، بلکه امر به معروف و نهی از منکر، مسائل اجتماعی و امور کلی مسلمانان را دربر می‌گیرد.

پیامبر خدا ﷺ در باره پیامد بی توجهی به این رسالت اجتماعی فرمود: «معصیت آنگاه که توسط بنده‌ای در پنهانی انجام گیرد زیان آن فقط به انجام دهنده می‌رسد، اما اگر آشکارا انجام داد و کسی به وی اعتراض نکرد، به همه مردم زیان می‌رساند».

امام صادق علیه السلام اضافه فرمود: «این از آن رو است که

رسول خدا ﷺ در ارزش پرداخت بدهی بدهکار فرمود: محبوب‌ترین کارها نزد خدا سه چیز است: «... پرداخت بدهی بدهکار و ...» و در سخنی دیگر نیز فرمود: «هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود یا اندوهش زدوده شود بدهکار ناتوان را برطرف سازد».

امیرمؤمنان علی علیه السلام در باره ارزش یاری ساند به بدهکار فرمود: «کسی که به مالی دست یافت، ... و به بدهکاران یاری رساند ... و در کسب ثواب و ادای حقوق صبر کند با این ویژگی‌ها به شرف دنیا و فضایل آخرت می‌رسد» ..

امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! ... سوگند به خدا که شیعه ما نیست مگر آن که از خدا پروا و پیروی کند و شناخته نمی‌شوند مگر با ... و دستگیری از بدهکاران».

ب: مهلت دادن به بدهکار

مهلت دادن به همکیش و برادر مومن بدهکار از رسالت‌های همکیشان نسب به همدیگر است.

قرآن در آیه ۲۸۰ سوره بقره به یکی از حقوق بدهکاران اشاره می‌کند که اگر از پرداختن اصل بدهی خود عاجز باشند، باید برای پرداختن اصل بدهی به آنها مهلت داده شود،

رسول خدا ﷺ در ارزش این کار فرمودند: «هر کس به بدهکاری ناتوان از پرداخت، مهلت دهد خدا در روزی که سایه‌ای جز سایه خدا نیست وی را در سایه خود، جای دهد».

و در سخنی دیگر فرمود: «همچنان که برای بدهکار تو

و همچنین فرمود: «هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را فرو گذارد، باید با خداوند جلیل اعلان جنگ کند [و خود را برای بلایی سخت از جانب خداوند جلیل آماده گرداند].»

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در این باره در سفارش به حسنین علیهما السلام پس از ضربت خوردن فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر را رها مکنید که در این صورت بدان شما زمام امورتان را به دست می‌گیرند و آن گاه هر چه دعا کنید، مستجاب نخواهد شد.»

حارث بن مغیره گفته است: «با امام صادق علیه السلام ملاقات کردم حضرت به من فرمود: قطعاً گناهان نادانان شما بر دوش دانایانتان بار می‌شود... چرا وقتی می‌شنوید مردی از شما کار ناپسندی می‌کند کاری که موجب عیب و اذیت ما نزد مردم می‌شود. نزد او نمی‌روید و ملامت و موعظه اش نمی‌کنید و بی‌پروا و صریح با او حرف نمی‌زنید؟»

عرض کردم: اگر حرف ما را نپذیرفت و اطاعت‌مان نکرد، چه کنیم؟ فرمود: در این صورت از او دوری کنید و از همنشینی با وی اجتناب ورزید.»

درس هفدهم: پرداخت بدهی و مهلت به بدهکار

الف: پرداخت بدهی

از وظایفی که در آموزه‌های دینی، همکیشان و برادران دینی در حق همدیگر دارند پرداخت بدهی و دیون همدیگر است آنها هم در صورتی که به دلیل وجود مشکلات، امکان پرداخت وجود نداشته باشد، از امام باقر علیه السلام نقل شده است که از حقوق برادران مومن و همکیش آن است که بدهکاریش را بپردازد.

- در صورت توانایی بر پرداخت - جایز نیست کوتاهی کند، برای تو نیز - در صورت علم به ناتوانی وی در پرداخت - جایز نیست او را در تنگنا قرار دهی».

به قلم:

حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده
مدیر گروه فرهنگ نامه های قرآنی و عضو هیئت
علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

در روایت دیگری فرمودند: «کسی که به مؤمنی قرض داد، منتظر بماند تا پرداخت قرض برای او امکان پذیر شود؛ یعنی همان طور که جایز نیست بدهکار در صورت توانایی، پرداخت قرض را به تأخیر بیندازد، همین طور اگر طلبکار می داند بدهکار توانایی ندارد، جایز نیست او را تحت فشار قرار دهد.

از پاداش در مهلت دادن به بدهکار در تنگنا قرار گرفته، روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که این کار موجب بهره مندی از سایه ای در برابر آسیب ندیدن از آتش جهنم است و برایش پاداش صدقه به مقدار قرضش وجود دارد تا آن را بطور کامل دریافت نماید.»

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نیز در این باره فرمود: «کسانی که به بدهکار در سختی قرار گرفته فرصت می دهند تا زمان آسان شدن پرداخت بدهی، در قیامت از زیر عرش خداوند با چهره ولباس های نورانی و... مبعوث می شوند.» و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آن را یک غنیمت و حرکتی شتابانی بسوی پاداش الهی بیان نموده است.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در باره ارزش این کار نیز فرمود: «روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای خدا، بر پیامبرانش درود فرستاد و فرمود: ای مردم! حاضران به غایبان برسانند که هر کس بدهکار ناتوان از پرداخت را مهلت دهد برای او نزد خدا در هر روز، صدقه ای به اندازه مالش هست تا هنگامی که آن را دریافت کند.»

فِيهِ تَلَوُّ الْقُرْآنِ وَالصَّوْمُ وَالزَّكَاةُ وَالصِّيَامُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّكِينَةُ

ما احتیاج داریم به این که از این ساعات، از این روزها و شبهای پربرکت (ماه رمضان) حداکثر بهره را ببریم؛ با تقویت رابطه‌ی قلبی خودمان با عالم معنا، با عالم غیب، با ابتهال و تضرع و خشوع در مقابل رب الارباب، و با استحکام پیوند ولایت خودمان با اهل بیت (علیهم السّلام) و این خاندان مکرم.

